

آیا دولت به کارآفرین نیازی دارد؟! دیدگاه

گفت و گو با مهندس سید احمد امامی - پیشکسوت صنعت نساجی

اشاره:

به اعتقاد مهندس امامی، تمام دولت‌های ما از زمان اکتشاف نفت تاکنون، نفت پایه بوده و هستند و حتی درآمدهای سرانه براساس قیمت نفت تعیین می‌شوند، کاملاً برخلاف کشورهایی مانند آلمان، ژاپن و ... که درآمدها براساس مالیات دریافتی است! در کشورهای پیشرفته صنعتی، نیروی سیاسی دولت و قدرت مالی کارآفرینان در یک جهت حرکت می‌کنند پس قوانین دولت برای توسعه سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و درآمدزایی در راستای حمایت از فعالیت بخش خصوصی و کارآفرینان به تصویب می‌رسند اما متأسفانه در کشور ما این تعامل اصلاً به وجود نیامده است چون دولت به درآمدهای نفتی دسترسی دارد و نیازی به کارآفرینان حس نمی‌کند؛ پس نباید هم انتظار داشته باشیم قوانین به نفع تولید و حمایت از تولیدکننده وضع شوند. وی، قوانین حاکم در کشور را ضد تولید می‌داند و ادامه می‌دهد: «این موضوع، یک معضل کاملاً داخلی است و ارتباطی به تحریم‌های خارجی ندارد.»

مهندس امامی پس از سال‌ها فعالیت در صنعت نساجی، هنوز خود را شیفته و دلسوز نساجی می‌داند و تأکید می‌کند: «اگر امروز هم برای احیای یک واحد در حال توقف فراخوانده شوم، بدون توجه به منافع مالی، دعوت مدیران کارخانه را لیبک می‌گویم و به خدمت می‌پردازم.» متن کامل مصاحبه با این پیشکسوت صنعت نساجی از حضورتان می‌گذرد:

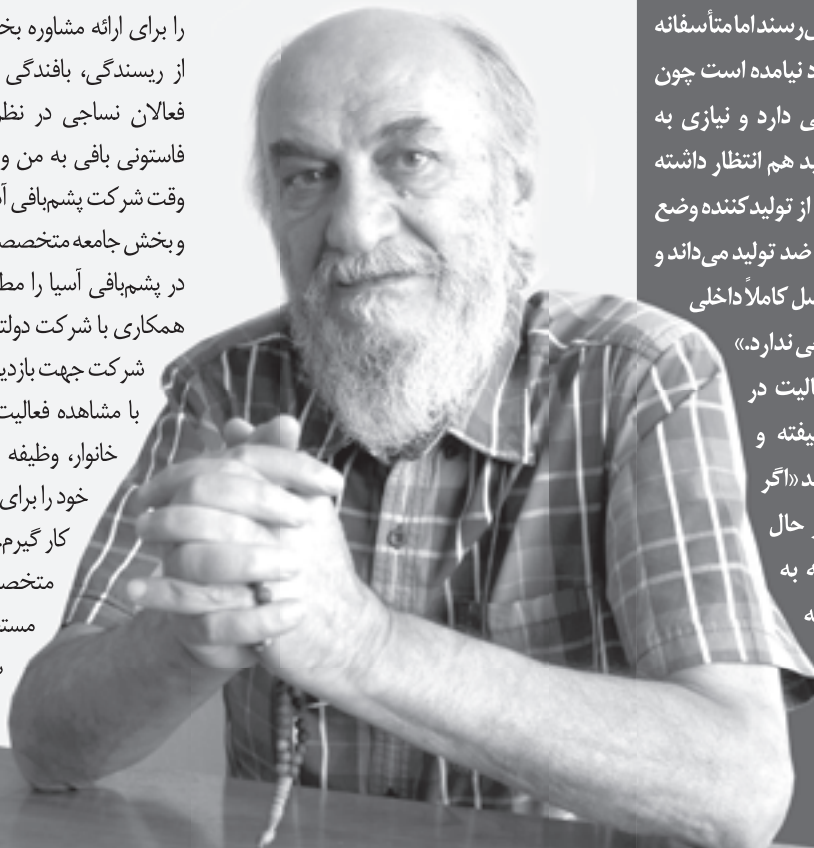
«آخرین مصاحبه‌ای که با شما انجام دادیم، زمان فعالیت در شرکت دفیبه بود که بعدها خبر تعطیلی این مجموعه را شنیدیم. چرا دفیبه تعطیل شد و پس از آن چه فعالیت‌هایی در نساجی انجام داده‌اید؟»

با توجه به ظرفیت‌های خالی فراوان صنایع نساجی و همچنین با تکیه بر تجربیاتم در بخش فاستونی شرکت دفیبه راه‌اندازی شد و تصمیم گرفتیم از طریق این شرکت به صادرات کالاهای همکاری که سابقه ۳۰ سال همکاری با آنها دارم، به عراق بپردازیم اما

به دلایل مختلف این هدف تحقق پیدا نکرد. تمرکز اصلی دفیبه را بر صادرات قرار داده بودیم اما متأسفانه طرف‌های ما در عراق (به خصوص بخش کردستان) به اصطلاح خوش حساب نبودند و پس از مدتی اوضاع سیاسی عراق نیز دچار آشفتگی شد در حالی که محصولات مختلف اعم از فرش ماشینی، منسوجات خانگی، کالای خواب و ... به ارزش چندین میلیون دلار از همکاران گرفته و به عراق فرستاده بودیم به این ترتیب بازبان هنگفت مالی مواجه شدیم و برای شرکت دفیبه راهی جز توقف فعالیت باقی نماند.

در ادامه، حدود یک‌سال و نیم به‌عنوان رئیس هیئت مدیره شرکت نساجی بروجرد به فعالیت پرداختم. همان‌طور که می‌دانید این شرکت بعدها از طریق بورس به بخش خصوصی (زنده‌یاد محسن مظاهری) واگذار شد؛ حدود هفت ماه نیز در زمینه احیا و راه‌اندازی کارخانه وطن اصفهان با هدف گردش چرخ صنعت و تداوم اشتغال و بدون کوچک‌ترین چشمداشت مالی مشغول کار شدم.

سال ۱۳۹۰ جامعه متخصصین نساجی ایران در جریان برگزاری نمایشگاه نساجی تهران، سالن A۲۵ را برای ارائه مشاوره بخش‌های مختلف نساجی اعم از ریسندگی، بافندگی و ... با حضور کارشناسان و فعالان نساجی در نظر گرفت و مسئولیت بخش فاستونی باقی به من واگذار شد. مدیرعامل و معاون وقت شرکت پشم‌بافی آسیا طی بازدید از این نمایشگاه و بخش جامعه متخصصین نساجی، پیشنهاد همکاری در پشم‌بافی آسیا را مطرح نمودند. در ابتدا تمایلی به همکاری با شرکت دولتی نداشتیم اما به اصرار مدیران شرکت جهت بازدید از کارخانه راهی کرمان شدم، با مشاهده فعالیت ۵۰-۴۰ نفر خانم سرپرست خانوار، وظیفه خود دانستم که تمام تلاش خود را برای بهبود وضعیت این کارخانه به کار گیرم. در همان هفته اول شروع کار، متخصصین و پرسنل بسیار علاقه‌مند، مستعد و سخت‌کوش کارخانه سوالات متعددی در مورد مسائل



چرا باید نفت خام ایران به چین صادر شود و پلی‌استر ارزان‌تر از مشابه ایرانی، وارد کشورمان شود؟! چرا برنامه استراتژیک در حوزه صادرات نفت خام نداریم تا با تکیه بر منابع نفتی، به تقویت و توسعه پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی جهت رفع نیاز مصرف‌کنندگان صنایع پایین‌دستی مانند نساجی بپردازیم؟

فنی کار اعم از چله پیچی، انبارداری، تکمیل و رنگرزی و ... مطرح کردند، به طوری که بعدها مدیر وقت کارخانه از قول آنها به من گفت «طی این سوال و جواب‌ها به اندازه پنج ترم دانشگاه با مسائل فنی نساجی آشنا شده‌اند.» در این کارخانه از توانمندی و تجربه بهترین مدیران تولید، مدیران سالن رنگرزی، تکمیل‌کنندگان متبخر و ... استفاده کردیم و به لطف خداوند شرایط به نحوی پیش رفت که با افزایش حجم تولید و سفارش مشتریان، تعداد کارگران به ۱۴۰ نفر رسید. در حال حاضر نیز ماهیانه سه روز به کرمان می‌روم تا از نزدیک در جریان تولیدات کارخانه (پارچه‌های فاستونی) قرار بگیرم. به پیشنهاد دوستان در هیئت مدیره شرکت نساجی بروجرد نیز عضو هستیم؛ ضمن این‌که سابقه حضور در هیئت مدیره شرکت پشم‌بافی طوس را نیز دارم. فعالیت ذهنی و عملی من در نساجی متوقف نخواهد شد زیرا همواره به فکر ایجاد و حفظ اشتغال برای جوانان مملکت هستیم. علاوه بر فعالیت در رشته مورد علاقه‌ام یعنی نساجی، در استان خوزستان به کاشت گیاه استویا (Stevia) می‌پردازم. (استویا - شکر برگ - گیاهی بومی است که در مرزهای برزیل و پاراگوئه می‌روید. دارای قدرت شیرین‌کنندگی بسیار قوی است که می‌تواند یک جایگزین مناسب برای قندهای تصفیه شده باشد. این گیاه همیار لاغری است، فشار خون را کاهش می‌دهد و با دیابت و قند خون بالا مقابله می‌کند؛ استویا برخلاف شکرهای شیمیایی تولید شده که اکثر اثرات کوتاه مدت و بلندمدت سوئی برای سلامت انسان دارند، نه تنها یک ماده کاملاً طبیعی و مفید به لحاظ عاری بودن از انرژی، کالری می‌باشد بلکه به جهت تأثیر مثبتش بر افزایش طعم و بهتر کردن مزه غذا شناخته شده است.)

در حال حاضر وضعیت صنعت نساجی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

واقعیت این است که تمام دولت‌های ما از زمان اکتشاف نفت تا کنون، نفت پایه بوده و هستند و حتی درآمدهای سرانه براساس قیمت نفت تعیین می‌شوند، کاملاً برخلاف کشورهایی مانند آلمان، ژاپن و ... که درآمدهای براساس مالیات دریافتی است! در کشورهای پیشرفته صنعتی، نیروی سیاسی دولت و قدرت مالی کارآفرینان در یک جهت حرکت می‌کنند پس قوانین دولت برای توسعه سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و درآمدزایی در راستای حمایت از فعالیت بخش خصوصی و کارآفرینان به تصویب می‌رسند؛ کشورهای پیشرفته صنعتی با کارآفرین وارد یک تعامل (معامله) دوجانبه می‌شوند به این صورت که دولت در ازای ارائه خدمات، امنیت و تقویت زیرساخت‌ها از سرمایه‌گذار، مالیات دریافت می‌کند. ضمن این‌که تمام قوانین مصوب مجلس با هدف رفع موانع از مسیر کارآفرین اجرایی می‌شوند.

متأسفانه در کشور ما این تعامل اصلاً به وجود نیامده است چون دولت به درآمدهای نفتی دسترسی دارد و نیازی به کارآفرینان حس نمی‌کند؛ پس نباید هم انتظار داشته باشیم قوانین به نفع تولید و حمایت از تولیدکننده وضع شوند. شما بگویید که کدام‌یک از قوانین ما به نفع تولید است؟! تا ماهیت دولت‌ها از مصرف‌کننده ثروت به دولت‌های مولد ثروت تبدیل نشود، همین وضعیت ادامه خواهد یافت. نفت برای گسترش و تعمیق زیرساخت‌های کشور مورد نیاز است اما چرا باید آن را به صورت خام بفروشیم؟ مگر تمام الیاف مصنوعی دنیا بر پایه مشتقات نفت نیست؟ چرا باید نفت خام ایران به چین صادر شود و پلی‌استر ارزان‌تر از مشابه ایرانی، وارد کشورمان شود؟! چرا برنامه استراتژیک در حوزه صادرات نفت خام نداریم تا با تکیه بر منابع نفتی، به تقویت و توسعه پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی جهت رفع نیاز مصرف‌کنندگان صنایع پایین‌دستی مانند نساجی بپردازیم؟

زمانی در دنیا، «نظریه ریکاردو» مطرح بود. (براساس این نظریه، مبادله آزاد میان کشورها، باعث افزایش مقدار تولید محصول جهانی می‌شود. اگر هر کشوری به تولید کالاهایی روی آورد که توانایی تولید آنها را با هزینه نسبی کمتری دارد به راحتی می‌تواند مقداری

از کالاها را با کالاهایی دیگر که ملت‌های دیگر قادر به تولید ارزان‌تر آنها هستند، مبادله کند. اقتصاددانان، تجارت آزاد جهانی را مطلوب می‌دانند زیرا باعث افزایش تولید ناخالص ملی کشورها و افزایش رفاه آنها خواهد شد. ریکاردو به کمک مفهوم «هزینه فرصت» نشان داد که کشورها نباید صرفاً بر تولید کالاهایی متمرکز شوند که در تولید آنها در مقایسه با دیگر کشورها دارند؛ بلکه در داخل کشور نیز باید با در نظر گرفتن هزینه جایگزینی کالایی با کالای دیگر، بر مبنای مزیت نسبی (مقایسه‌ای) عمل کرد. با این روش همه کشورها منتفع خواهند شد. تحلیل مزیت نسبی ریکاردو برای اثبات تخصصی شدن تولید و تجارت، بهترین سیاستی است که کشورها باید تعقیب کنند. نقدی که باید بر نظریه ریکاردو اضافه شود این است که هر کشور در کدام زمینه متخصص شود از صرف تخصصی شدن، مهم‌تر است؛ زیرا برخی کالاها دارای تقاضای فزاینده‌ای در سطح جهان هستند که دیگر کالاها از آن محرومند. این نظریه در قرن هفدهم میلادی مطرح شد و متعلق به همان دوره بود چون مزیت نسبی ریکاردویی حول محور مواد اولیه قرار داشت اما در دنیای امروز این نظریه، مصداق چندانی ندارد و مزیت نسبی را مغز و اندیشه انسان‌ها به وجود می‌آورد. ژاپن به کدام منبع طبیعی دسترسی دارد که امروزه به‌عنوان یکی از قطب‌های صنعتی دنیا شناخته می‌شود؟ شاید باور کردنی نباشد اما جزیره موریس یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان پوشاک به آلمان است؛ پس امروزه مزیت نسبی را «اندیشه انسان‌ها و انقلاب در فرآوری» خلق می‌کنند. همان‌طور که می‌دانید تمام پیشرفت‌های صنعتی دنیا از صنعت نساجی آغاز شد (به جز انگلیس که انقلاب صنعتی آن براساس نساجی شکل گرفت) و پس از گسترش در کشورهای اروپایی به آسیا منتقل شد و در اختیار ژاپن، کره جنوبی، چین و ... قرار گرفت. کره جنوبی توسعه صنعتی خود را از نساجی آغاز کرد و به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان مواد اولیه نساجی و پوشاک تبدیل شد و امروزه به‌عنوان یکی از قطب‌های تولید اتومبیل در دنیا شناخته می‌شود.

ایران در کجای داستان قرار داشت؟

ایران نفت داشت و نیازی به نساجی و اصولاً صنایع

بپردازد، اما به دلایل مختلف این مسیر توسط دولت هموار نشد و بعضی تولیدکنندگان نیز در مسیر صحیح حرکت نمی‌کنند. کارخانه‌ای که ۳۵ سال در آن مشغول کار بودم و ۱۲ سال آخرش مدیریت آن را برعهده داشتم، حدود ۳ میلیارد تومان سود دهی داشت و همان زمان تعدادی از کارخانه‌ها با زیان‌های هنگفت مالی مواجه بودند. ۸۰ درصد مشکلات صنعت ناشی از عدم توجه دولت و وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر و ضد تولید و ۲۰ درصد مشکلات نیز به دلیل سوءمدیریت بخش خصوصی است که توانمندی و تخصص لازم برای حفظ واحد تولیدی خود را ندارند.

به این نکته هم باید اشاره کنم که بیل گیتس معتقد است باید نیاز ایجاد کنیم تا مردم برای رفع این نیاز به ما مراجعه نمایند این طرز تفکر باید در مدیران ما نیز شکل بگیرد. تفکر مدیریت بیل گیتس در مفهوم واقعی ضرب‌المثل «سحرخیز باش تا کامروا باشی» جاری است. معنی ضرب‌المثل فوق این نیست که باید صبح زود از خواب برخیزیم تا به موفقیت دست یابیم زیرا اگر زود بیدار شدن از خواب باعث کامروایی می‌شد که باید ناناها، رفتگران و طبایخان جزو اقشار مرفه و متمول جامعه بودند! منظور این است که زودتر از سایرین بدانیم چه کنیم و به سحر خیزی فکری دست یابیم. به‌عنوان تولیدکننده منسوجات به این فکر کنیم که آیا ۱۰ سال بعد مردم به سراغ محصولات فعلی ما خواهند رفت و براین اساس نیاز جدید خلق کنیم. بیل گیتس زمانی که کامپیوتر به اندازه یخچال‌های ۴ فوتی بودند، اعلام کرد روزی فرا خواهد رسید که هر کسی یک کامپیوتر کوچک در جیب خود حمل کند. همگان به این تصور خندیدند اما امروز زندگی بدون کامپیوترهای کوچک شخصی بسیار دشوار است.

ندارد. در کارخانه‌ای که سال‌های متمادی مدیریت آن را برعهده داشتم، اداره برق در ماه‌های گرم سال، تعرفه برق کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی را چندبرابر افزایش می‌داد در حالی که باید تعرفه‌های منصفانه‌تری برای تولیدکنندگان داخلی وضع می‌کردند تا به نفع حمایت از تولید ملی منتهی شود. وقتی که سرمایه خود را در بانک می‌گذارید، سود روز شمار آن را بدون مالیات و مشکل خاصی دریافت می‌کنید اما همین سرمایه وقتی به تولید اختصاص پیدا می‌کند باید ۲۵ درصد سود حاصله به‌صورت مالیات به دولت پرداخته شود؛ آیا از این چرخه چیزی اراده برای توقف واحدهای تولیدی تداعی می‌شود؟

«همین دغدغه‌ها و مسائل باعث شد بخش عمده‌ای از فعالیت خود را به کشاورزی اختصاص دهید؟»

هنوز شیفته و دلسوز نساجی هستم و اگر امروز هم برای احیای یک واحد در حال توقف فراخوانده شوم، بدون توجه به منافع مالی، دعوت مدیران کارخانه را لبیک می‌گویم و به خدمت می‌پردازم. مشغولیت فعلی ذهنم به روی یک فعالیت اشتغال‌زاست و کاشت گیاه استویا یک فعالیت استراتژیک است که ضمن اشغال‌زایی، صادرات قابل توجهی به همراه خواهد داشت.

«مطلب‌نهایی»

به دیدگاه و نگرش دولت نسبت به تولید و صنعت اشاره کردم اما بی‌انصافی است که به ضعف مدیریت برخی از واحدهای بخش خصوصی نپردازم. دولت باید بسترسازی‌های لازم را جهت رشد تولیدکننده مهیا می‌کرد تا کارآفرین در این مسیر مناسب به فعالیت

نداشت! در حالی که نساجی، موتور محرکه توسعه و رشد اقتصادی کشورهاست و پس از صنعت نفت، بیشترین درصد اشتغال‌زایی ایران را به خود اختصاص می‌دهد؛ اگرچه این درصد به دلیل وضعیت نابسامان نساجی روز به روز کاهش می‌یابد و شاهد روند رو به افول نساجی در ایران هستیم. نخستین کشوری در خاورمیانه هستیم که موفق به احداث کارخانه نساجی ماشینی شد. این کارخانه در سال ۱۳۱۲ با همت «مرتضی قلی‌خان هدایت صنایع الدوله» راه‌اندازی شد. وی در رشته مهندسی معدن مدرسه صنعتی برلین تحصیل کرده بود و پس از بازگشت به ایران اولین کارخانه نساجی را (با ضمانت مالی حاج محمدتقی شاه‌رودی) تأسیس کرد. اشتیاق او به راه‌اندازی صنعت باعث تأسیس کارخانه بافندگی شد و ماشین‌های متعدد ریسمان‌ریسی و پارچه‌بافی از کارخانه «وینترتور» سوئیس خریداری گردید در مراسم افتتاحیه این کارخانه ناصرالدین‌شاه، صنایع‌الدوله را تشویق کرد و گفت: «تنها لقبی که به مورد داده‌ایم، صنایع‌الدولگی است که به مرتضی قلی‌خان داده‌ایم» متأسفانه این کارخانه پس از دو سال به دلیل واردات منسوجات انگلیسی، تعطیل شد.

زمانی که افتخار همکاری در انجمن صنایع نساجی ایران و آقای مهندس بصیری را داشتم، در سالنامه متعلق به سال ۱۳۸۲ فهرستی از ۲۲ کارخانه پشم‌بافی به همراه حجم تولید و تعداد کارگران شاغل منتشر شد که متأسفانه امروزه از این تعداد، ۴ کارخانه باقی مانده‌اند که آنها هم در شرایط مساعدی به سر نمی‌برند. فکر نمی‌کنم سایر بخش‌های نساجی نیز شرایط خوبی داشته باشند. معضل فقط دیدگاه دولت است که به دلیل بهره‌مندی از منابع ارزشمند نفت، نیازی به حمایت از نساجی در خود احساس نمی‌کند.

«تحریم‌های بین‌المللی تا چه میزان در این وضعیت نامساعد تأثیر داشت؟»

تحریم‌ها می‌توانست بسیار راهگشا و به نفع تولید داخل باشند زیرا هر گاه قیمت نفت کاهش می‌یابد، تمام دولت‌ها به فکر حمایت از توسعه صنعت و صادرات غیر نفتی می‌افتند اما با افزایش قیمت نفت، صنایع را به فراموشی می‌سپارند! به اعتقاد من قوانین حاکم در کشور ضد تولید هستند و این موضوع، یک معضل کاملاً داخلی است و ارتباطی به تحریم‌های خارجی